

از رئالیسم تا مدرنیسم ، انبوه انسان تنها در رمان های معاصر فارسی با تکیه بر ارتباطات انسانی

مهناز رونقی نوتاش، دانشجوی دکتری ارتباطات واحد علوم و تحقیقات تهران
ronagh_m@yahoo.com

دکتر علی اکبر فرهنگی، استاد واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی (نویسنده و مسئول مکاتبات)

چکیده

این مقاله، به بررسی بازتاب ساختارهای اجتماعی ارتباطی در رمان های فارسی، دو دهه ی ۵۰ و ۷۰ می پردازد. برای این منظور ۱۴ رمان مشهور در این دو دهه انتخاب شد تا محتوای آنان از نظر ساختار اجتماعی ارتباطی و نیز جمع گرایی فردگرایی بررسی شود. نتایج این پژوهش نشان می دهد که رمان های دهه ۵۰ نشانگر سلسله مراتب قدرت و گفتمان مردسالارانه است و در روابط اجتماعی نیز این امر مشهود است اما در رمان های دهه ۷۰ روابط غردی انسان ها بیشتر در طبقه متوسط جامعه و فضای کاملا شهری نمود دارد. **کلمات کلیدی:** رمان های ایرانی، ساختار اجتماعی ارتباطی، فردگرایی جمع گرایی

مقدمه

یکی از خصیصه های فرهنگی زمان معاصر رشد علوم اجتماعی و توسعه ی بینش جامعه شناختی است. بینش جامعه شناختی به ما کمک می کند تا به نحو بهتری آثار هنری و فرهنگی را بشناسیم تفسیری عملی و کاربردی از این آثار بدست آوریم و به بهترین وجه از آثار هنری برای حل مسایل و بحران های انسان امروزی استفاده کنیم ادبیات و هنر یکی از منابع فرهنگی اصلی هر جامعه برای شناخت فرهنگ است. در دوره حاضر هر روز سهم وجوه نمادین و ارزش های زیباشناختی در زندگی روزمره بیشتر می شود و هر روز هنرها بیش از هر زمان دیگر به زندگی روزمره می پردازند و

تاریخ دریافت مقاله: ۳۰ بهمن ۱۳۸۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۲۱ اسفند ۱۳۸۹

در شرایطی که بین هنر و زندگی روزمره پیوندهای وسیعی شکل می‌گیرد، نیازمند به شناخت همه جانبه هنر هستیم و صرف نقد های زیبا شناختی نمی‌تواند ما را نسبت به جهان انباشته از تصاویر، صداها و نمادها آگاه سازد. جامعه‌شناسان ادبیات با این علم که آثار هنری و ادبی در یک بستر اجتماعی به عرصه ظهور می‌رسند، مدعی اند که آثار ادبی را می‌توان داده‌های جامعه‌شناختی محسوب کرد و از این منظر به آن‌ها نگرینست که شاخصی برای ارزیابی ارتباط و ایده‌های اجتماعی به شمار می‌روند. ردپای این نوع نگرش را می‌توان در رئالیسم ادبی و تلاش برخی رمان نویسان برای ارایه اهداف جامعه‌شناختی کاملاً آشکار در آثارشان جست و جو کرد. در این مقاله رمان های فارسی دو دهه ۵۰ و ۷۰ را به لحاظ بازتاب ساختار اجتماعی و ارتباطی بررسی می‌کنیم. جستجوی خصلت های ارتباطی در رمان ها دغدغه اصلی بوده و تمام کوشش بر آن بوده است تا با بازخوانی رمان های مطرح این دو دهه تصویری دقیق از اجتماع آن زمان ترسیم شود که در آن ارتباطات انسانی و تحرکات جامعه رخ نماید. بی شک این نخستین روایت از جهان ارتباطی و جهان داستانی است که در آن هویت انسان ترسیم شده در آثار ادبی جستجو می‌شود.

طرح مساله

بی تردید محیط ادبی هر دوره نمی‌تواند از تاثیر اجتماعی آن دوره برکنار باشد، از همین روست که همواره ارتباط بین اثر ادبی و ساختارهای اجتماعی مورد مطالعه اندیشمندان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است و بررسی روابطی که ادبیات و اجتماع را به هم پیوند می‌زند از دل مشغولی های همیشگی شان بوده است. جامعه‌شناسی به کمک روش های علمی، نهادها، روابط و رفتارهای اجتماعی انسان را از نظر ساخت، کارکرد، پویا و دگرگونی بررسی و تجزیه و تحلیل می‌کند و با نگرشی خاص به علل اجتماعی در جستجوی قوانین حاکم بر حیات جامعه از دیدگاههای گوناگون است. این تعریف از جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که ادبیات یک نهاد اجتماعی است که ریشه در زندگی اجتماعی دارد و همواره پرسش هایی را فراروی محققان قرار می‌دهد هم چون اینکه، چگونه هنر و ادبیات بر ارزش ها، هنجارها، ساخت های طبقاتی، آموزش و شیوه های نگرش بر جهان موثر واقع می‌شود؟

آثار هنری تا چه حد به وسیله ی جامعه شکل می گیرد ، تولید می شود و اشاعه می یابد و بر عکس چگونه آثار هنری بر شکل گیری ، توسعه و تحول جوامع اثر می گذارد ؟

رابطه بین واقعیت و زیبایی در تکوین آثار هنری چگونه است ؟

جامعه شناسی هنر و ادبیات با پذیرش این فرض آغاز می شود که یک اثر ادبی تولیدی اجتماعی است اما در رهیافت سنتی هنر و ادبیات معمولاً پدیده ای رمانتیک و رازآمیز معرفی می شود ، این رویکرد به طور اساسی هنر و ادبیات را پدیده ای برتر از هستی جامعه و زمان می شمارد . جامعه شناسی هنر که در پی تبیین ابعاد مکانی و زمانی هنر است و برخلاف رویکرد سنتی که صرفاً به ارزش ها و با عناصر زیباشناختی را که در شکل و محتوای آثار هنری و ادبی سهیم هستند نشان دهد و بخصوص بر سهم عوامل اجتماعی و چگونگی و نوع محتوا یا شکل آثار هنری تاکید دارد . (هادی مسعودی : ۱۳۸۷)

اگر ذهن جستجوگر ما در پی یافتن پیوندهای دقیقی بین واقعیت بیرونی و جهان داستانی باشد در آغاز باید تجسم دقیقی از دنیای ذهنی بشر بدست آورد . این تلقی از تمام ذهنیات و تراوشات آدمی وجود دارد که هر آنچه در آدمی به انتزاع می رسد و فرم مفهومی پیدا می کند ، برخاسته از دنیای واقعی پیرامون اوست . در واقع اندیشه بر پایه ای از واقعیت است که استوار می گردد و می بالد . اثر ادبی نیز با چنین برداشتی است که بازتاب و آئینه ای از واقعیت فرض می شود . در واقع انسان با خلق اثر ادبی جهان پیرامون را بازتولید می کند . (<http://protetester-notes.blogspot>)

تجربه نشان داده است که تظاهرات حافظه جمعی ، در قالب روایت ها شکل می گیرند و روایت ها نه فقط فهرستی از رخدادها بلکه تبیین کننده رخدادها نیز هستند . در اینجا روایت مفهوم هم بسته و ملازم با حافظه جمعی است که آدمیان در قالب یک قوم، طبقه، ملت، نسل، جنس خود را تعریف می کنند. فرم رمان در واقع برگردان زندگی روزمره در عرصه ادبی است . برگردان زندگی روزمره در جامعه فردگرایی که زاده تولید برای بازار است .

بیان ضرورت و اهمیت موضوع

اهمیت ادبیات و نقش برجسته آن در گردش معانی فرهنگی و استمرار آن امری شناخته شده است. به همین جهت نیز ادبیات بخش مهمی از آموخته های رسمی سیستم آموزشی را تشکیل می دهد. ضرورت تدوین یک علم دقیق و اثباتی درباره فعالیت ذهن به طور کلی و آفرینش فرهنگی به طور خاص مورد توجه محققان قرار گرفته است و این در حالی است که این فعالیت ها بسیار جوان بوده و در مقابل آن بررسی های سنتی - پوزیتیویستی حداقل از نظر کمی در سراسر جهان بر زندگی دانشگاهی تسلط گسترده دارند.

آنچه گفته شد نشانه نگر آن است که به تحقیق در آثار ادبی توجه کنیم و ضرورت تحقیق در زمینه ارتباطی و جامعه شناسی آثار ادبی را بخصوص از نظرگاه متخصصان اجتماعی و ارتباطی دریابیم. شاید ضرورت چنین تحقیقاتی را بتوان این چنین خلاصه کرد: درک بهتر هنری، ایجاد رابطه منطقی بین جامعه و هنرهای مختلف، مدیریت خلاق و پویا در جامعه و ایجاد نظم جدید اجتماعی مبتنی بر اقتصاد فرهنگ، مشارکت در فرایند توسعه فرهنگی به کمک دریافت جامعه شناختی (نعمت الله فاضلی، ۱۳۸۷: ۵)

هر اثر ادبی را می توان تا حد بسیاری نشان دهنده آرا گروهی اجتماعی دانست. اما محقق بدون داشتن حداقلی از درک هنری و به دور از تجربه های وجودی و توان همگام شدن با هنرمند در سلوک روحی، راه به جایی نمی برد. برای بررسی جامعه شناسانه یک اثر ادبی، از یک سو باید ساختارهای سیاسی و اجتماعی و مولفه های دیگر را که باعث تبیین فضای اجتماعی دوران خلق اثر به شناخت جامعه و اوضاع اجتماعی پرداخت. توجه جامعه شناسانه به ادبیات و تحکیم ارتباط بین جامعه شناسی و ادبیات از آنجا بیش از گذشته می نماید که ادبیات بخش عمده ای از شعور و آگاهی اجتماعی را دربر گرفته است و انعکاس قابل توجهی از فرهنگ ها و خرده فرهنگ ها را در برمی گیرد. باید در نظر داشت که ادبیات و جامعه هر دو در حال تغییر و تحرکند و در یکدیگر تاثیر متقابل می گذارند و از این قرار هرگز نباید فعالیت ادبی را از فعالیت اجتماعی جدا کرد. جامعه شناسی ادبیات به شکلی ناخودآگاه تجربه های حسی و غیرمنتظره یک انسان را با قوانین و یافته های تجربی علم جامعه شناسی در هم می آمیزد و زوایای تاریک واقعیت هایی را فراروی

خواننده اش می نهد که می توان در سایه سار آن به آسانی حداقل فضای کلی یک اثر را درک نمود . (www.ettehadjonoub.com)

در مطالعه آثار ادبی با رویکرد جامعه شناختی و کانون مطالعه خصلت جمعی و اجتماعی آثار ادبی است و به قول " گلدمن " خصلت جمعی آفرینش ادبی حاصل آن است که ساختار آثار با ساختارهای ذهنی گروههای اجتماعی که گلدمن از آن یاد می کند در درون اجتماع شکل می گیرند و نویسنده نیز محصول همین اجتماع است .

اهداف تحقیق

مطالعات میان رشته ای از ضروری ترین بررسی های این دوران است و پاسخی است به نیاز جامعه پیچیده کنونی . در این تحقیق هدف اصلی یافتن بهترین پاسخ به این پرسش است که آیا رمان به مثابه یک اثر ادبی ، بازتابی از جامعه محسوب می شود ؟ به عبارت دیگر با تحلیل رمان های دو دهه درمی یابیم که آیا متن و شرایط اجتماعی در رابطه ای متقابل با یکدیگر قرار دارند ؟ از سوی دیگر با توجه به اینکه دهه ۵۰ و ۷۰ دو دهه خاص از نگاه جامعه شناسی تاریخی است آثار منتشر شده در آن دوران هم از اهمیت خاصی برخوردارند . و در نهایت هدف آرمانی این است که با بررسی رمان های دو دهه ادبی ، ذهنیت فرهنگی جامعه را تعیین کرده و تحولات ارتباطات انسانی را در جامعه پی بگیریم .

پرسش های تحقیق

در این بررسی با دو پرسش اصلی و سه سوال فرعی روبرویم ، پرسش های اصلی بدین قرارند :

جهان داستانی دو دهه ۵۰ و ۷۰ نشا نگر چه بافت اجتماعی است ؟
در گفتمان ارتباطی مستتر در رمان های فارسی دو دهه ۵۰ و ۷۰ چه تفاوت معناداری مشهود است ؟

پرسش های فرعی

آیا رویکرد معرفت شناسی شخصیت های رمان های فارسی دو دهه ۵۰ و ۷۰ همسان و هم شکل است ؟

در فضای داستانی دو دهه ۵۰ و ۷۰ گفتمان غالب ایدئولو چه تفاوت های رویکردی را داراست ؟

آیا در جهان داستانی دو دهه ۵۰ و ۷۰ از نظرگاه پویایی اجتماعی تفاوتی قابل مشاهده است؟

رنالیسم و مدرنیسم در نظریه لوکاچ

وقتی که لوکاچ تولیدات هنری دو سبک متضادی را که به عنوان رنالیسم و مدرنیسم نامیده می‌شود را با هم مقایسه می‌کند و هنگامی که وی سعی می‌کند علت تفاوت میان آن‌ها را شرح دهد اساساً با محتوای آثار سروکار دارد. تلاش لوکاچ در بحث‌های جامعه‌شناختی‌اش در حوزه ادبیات ربط دادن محتوای آثار با ساخت اجتماعی معاصرشان است. در این کار وی همبستگی میان یک تجربه اجتماعی در یک جامعه خاص و بیان آن توسط یک فرد را جست و جو می‌کند. او اشکال هنری را به شرایط اجتماعی معاصرشان مرتبط می‌کند.

لوکاچ در کتاب "معنای رنالیسم معاصر" از سبک ادبی رنالیسم به عنوان ادبیاتی که هدفش بازتاب حقیقی واقعیت است حمایت می‌کند. لوکاچ تأکید می‌کند که اگر فاصله بین توانایی بالقوه انتزاعی و عینی از بین برود، اگر درون‌گرایی انسان با یک ذهنیت انتزاعی یکی شود، شخصیت بشری به ضرورت غیر منسجم خواهد شد. در واقع او اثر هنری را بازتابی از واقعیت در تامل آن است و رنالیسم سبکی است که در آن چنین تاملی ارابه می‌شود. (همان: ۷۸)

بنابراین تامل زندگی در هر جامعه در جهان بینی معاصرش نمایش داده شده است. لوکاچ معتقد است ایده جهان بینی، از آنجا که آثار متفاوت هنری را با متحد کردن تجربیات هنری جدا در یک واحد به هم مربوط می‌کند، تبدیل به یک مدلی از زندگی و وجود می‌شود. از این عبارات روشن است که مفهوم جهان‌نگری برای لوکاچ و جامعه‌شناسی ادبیات وی چقدر مهم است. یک اثر هنری می‌تواند تنهادر شرایط اجتماعی و از طریق جهان‌نگری درک شود. بنابر این از نظر وی مهم‌ترین اثر هنری هر عصر معین به عنوان فیلتری برای تجربه مشترک عمل می‌کند. (دووینو، ۱۹۷۲: ۳۸)

در آثار رنالیست‌ها قهرمانان آثار هنری از موقعیت اجتماعی و محیط تاریخی آن‌ها غیر قابل تفکیک است. ما بیان مدرنیست‌ها از طبیعت انسان متفاوت است. برای نویسندگان مدرنیست انسان طبیعتاً منزوی، غیر اجتماعی و ناتوان از برقراری روابط متقابل با محیط اجتماعی است. لوکاچ نتیجه می‌گیرد که این دیدگاه‌های متفاوت

درباره انسان ، نویسندگان رئالیست و مدرنیست را به اتخاذ دورنماهای متفاوت هدایت می کند. به عنوان مثال رئالیسم انسان را به عنوان یک موجود اجتماعی رو به پیشرفت می بیند. در مدرنیسم ، نفی تاریخ ، توسعه و بنابراین پرسپکتیو ، علامت دید درست به طبیعت واقعیت تلقی می شود . لوکاچ تاکید می کند که آثار هنری مدرنیسم بازتاب شرایط اجتماعی سرمایه داری هستند . ادبیات مدرنیست، نشان دهنده آرزوی نویسنده برای فرار از واقعیت سرمایه داری است، و در عین حال دانستن این که هر حرکتی برای تغییر وضع موجود پیشاپیش محکوم به شکست است . این احساس ناتوانی علت اضطراب و تشویش در ادبیات مدرنیسم است. دلهره به نوبه خود محصول تجربه اجتماعی و بخصوص تاثیر ساختمان اجتماعی سرمایه داری بر روشنفکران است (لوکاچ ، ۱۳۴۹ : ۹۶) از نظر لوکاچ آنچه هنر نمایش می دهد ، یک جهان خصوصی نیست ، بلکه یک کل منظم است که در تجربه جمعی نوع بشر ریشه دارد . (لیشتهایم ، ۱۹۷۰ : ۱۲۵)

لوکاچ در نظریه بازتاب فکر به تاثیر شرایط وجودی زندگی بر آثار هنری معاصر آن ها تاکید می کند. به نظر وی ، درک جهان خارجی از طریق بازتاب آن در آگاهی ممکن می شود. آثار هنری به عنوان ابزار شناختی از این قاعده مستثنی نیستند. آن ها هم بازتاب واقعیتند. (راودراد ، ۱۳۸۲ : ۷۵)

فرهنگ و ارتباط گریزی

" ادواردهال " دو نوع الگوی فرهنگی ارتباطات را مورد توجه قرار داده و این الگو را الگوی ارتباطی با زمینه فرهنگی بالا و الگوی ارتباطی با زمینه فرهنگی پایین نام گذاری کرده است . افراد در فرهنگ با زمینه پایین برای فردگرایی در مقابل جمع گرایی و هماهنگی گروهی ارزش بیشتری قایل می شوند . فردگرایی در این مفهوم همانند آنچه " هافستد " در نظر دارد اولویت قایل شدن برای نیازها و خواسته ها و هدف های فردی در مقابل نیازها و خواسته ها و هدف های فردی در مقابل نیازها و هدف های گروهی است . (فرهنگی ، ۱۳۸۹ : ۲۸۳)

کتورک هافستد نظریه پردازی ست که براساس یافته هایش چهار بعد ارزشی را مشخص ساخت که کشورها از حیث این ابعاد با یکدیگر تفاوت داشتند . این چهار بعد

عبارت بودند از فاصله قدرت، پرهیز از نا شناخته‌ها (تردیدگریزی) یا احتیاط، فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی و مردسالاری در مقابل زن‌سالاری.

روش تحقیق

روش تحقیق تحلیل محتواست. برنارد برلسون آن را یک تکنیک تحقیقاتی برای توصیف عینی، نظام مند و کمی از محتوای آشکار پیام‌های ارتباطی می‌داند. (برلسون، ۱۹۵۲: ۱۸)

برلسون سه عنصر استنباطی شامل "درک مفاهیم مورد نظر تولیدکنندگان محتوا"، "گمانه زنی درباره برداشت مخاطب" و "پیش‌بینی اثرات پیام بر مخاطب" را علاوه بر توصیف مشخصه‌های اصلی و شکلی محتوای پیام در زمره اهداف پنجگانه روش تحلیل محتوا احصا نموده است. (مک‌نامارا...) این تحقیق در واقع آمیزه‌ای از روش تحلیل محتوا کمی و کیفی است، این مشخصه تلفیقی بیش از همه در فرایند کدگذاری محتوا که ستون فقرات تحقیق محسوب می‌شود قابل مشاهده است. آنچه به عنوان واحد تحلیل انتخاب شده است پاراگراف‌های موجود در متن است که در زمره واحدهای طبیعی است.

این تحقیق رمان را به عنوان محصول گفتمان فرهنگی حاکم بر زمانه تالیف آن به مثابه آینه‌ای تلقی می‌کند که ساختارهای کلان جامعه در دو حوزه اجتماعی و ارتباطی را به روشنی در خود بازتاب داده است. براین اساس تنها آن دسته از محصولات فرهنگی می‌تواند به عنوان آینه‌ای قابل اعتماد تلقی شود که توانسته باشند حوزه عمومی در معنای مورد نظر هابرماس را به گونه‌ای چشمگیر تحت تاثیر قرار داده و با اقبال مخاطبان و افکار عمومی مواجه شوند. از این روی انتخاب نمونه در از طریق پانل بوده که ۱۴ رمان از رمان‌های منتشر شده در دهه‌های ۵۰ و ۷۰ انتخاب شده‌اند.

اطلاعات تحقیق از طریق کدگذاری متن مورد بررسی در اوراق کدگذاری جمع‌آوری شده و پس از پردازش اطلاعات، نتایج در قالب جداول فراوانی و توافقی ارائه شد.

روایی: روش تحلیل محتوی اغلب در مورد آن دسته از مسایل تحقیقی به کار می‌رود که می‌توان مستقیماً با توصیف مشخصات محتوا به پرسش‌های پاسخ داد.

در چنین بررسی هایی محقق تا حد بسیاری از مشکلات مربوط به روایی فارغ است (هولستی ، ۱۳۸۰ : ۷۲) در عین حال طی تحقیق حاضر به منظور حصول اطمینان از صحت اندازه گیری ها نسبت به تکرار کدگذاری در مورد ۱۰٪ از داده ها و با ملاحظه دو متغیر اصلی محتوا یعنی ساختار اجتماعی ، ساختار ارتباطی بر مبنای فرمول ضریب پای اسکات اقدام شده است .

نحوه استخراج متغیرها : مقوله های تحلیل محتوا را چنانکه آبرامسون اشاره کرده است ، می توان به صورت استقرایی ، قیاسی یا ترکیبی از هر دو روش فوق ساخت . رهیافت استقرایی با غور و بررسی محقق در محتوای اسناد مورد مطالعه به منظور شناخت ابعاد مختلف آن شروع می شود ، اما در رهیافت قیاسی ، محقق برخی از طرح های مقوله ای را که نظریه های مربوط القا کرده اند به کار می بندد . (سروستانی ، ۱۳۷۵ : ۱۰۱) نئوندورف نیز استفاده از تئوری و تحقیقات پیشین و نیز فرایند فوری ماخوذ از داده ها را در شمار روش استخراج متغیرها قرار می دهد . (نئوندورف ، ۲۰۰۲ : ۹۷) در این تحقیق نیز متغیرها از تئوری ها استخراج شده است .

فهرست مقولات منتخب به شرح زیر است :

ساختار اجتماعی- سنتی، مدرن و ساختار ارتباطی - جمع گرا و فرد گرا تقسیم می شود.

یافته های تحقیق

جدول شماره ۱ وضعیت مضامین جمع گرای موجود در متون رمان های فارسی نشان می دهد. براساس نتایج به دست آمده :

- ۵۲/۷٪ مضامین جمع گرای موجود در متون رمان های فارسی پیرامون برون گرایی است.

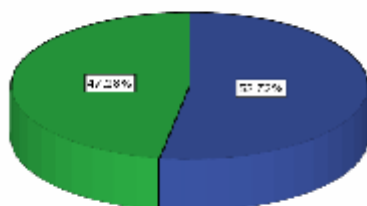
- ۴۷/۳٪ مضامین جمع گرای موجود در متون رمان های فارسی پیرامون تفکر توده وار است.

جدول ۱ وضعیت مضامین جمع گرای موجود در متون رمان های فارسی

متغیر	فراوانی	درصد
برون گرا	۲۶۸۵	۵۲/۷
تفکر توده وار	۲۴۰۸	۴۷/۳
جمع	۵۰۹۳	۱۰۰/۰

نمودار ۱ وضعیت مضامین جمع گرای موجود در متون رمان های فارسی

برون گرا
تفکر توده وار



جدول شماره ۲ وضعیت مضامین فردگرای موجود در متون رمان های فارسی

نشان می دهد. براساس نتایج به دست آمده :

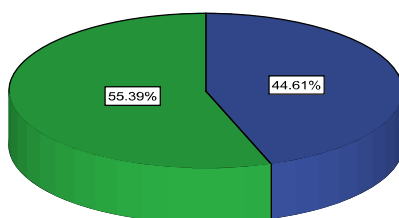
- ۴۴/۶٪ مضامین فردگرای موجود در متون رمان های فارسی پیرامون درون گرایی است.
- ۵۵/۴٪ مضامین فردگرای موجود در متون رمان های فارسی پیرامون تفکر فردی است.

جدول ۲ وضعیت
مضامین فرد گرای موجود در متون رمان فارسی

متغیر	فراوانی	درصد
درون گرا	۱۲۷۰	۴۴/۶
تفکر فردی	۱۵۷۷	۵۵/۴
جمع	۲۸۴۷	۱۰۰/۰

نمودار ۲ وضعیت مضامین فردگرای موجود در متون رمان های فارسی

درون گرا
تفکر فردی



نتیجه گیری

روایت های جهان بی شمارند . چنانکه گویی هر ماده ای مناسب دریافت داستان های بشر است. روایت در اسطوره، افسانه، قصه، نوولا، حماسه، تاریخ، درام، کمدی حضور دارد. افزون بر این روایت براساس همین تنوع نامحدود شکل ها، در هر عصر، مکان و جا معه ای حاضر است. روایت دقیقا با تاریخ بشر آغاز می شود و فراتاریخی، فرافرهنگی، به سادگی مثل خود زندگی است. (رولان بارت، ۱۳۸۷ : ۲۷)

نقد و بررسی جامعه شناختی ادبیات یکی از مطالعات میان رشته ای است که جامعه شناسی رمان از ضروریات آن است، رابطه متن و جامعه در مطالعات ادبی بسیار پیچیده است. همان طور که گلدمن می گوید ، هر گروه اجتماعی یک آگاهی جمعی

دارد، گلدمن نظر خود را عمدتاً به نقاط طلایی تاریخ دوخته است و به لحظاتی اشاره می‌کند که تغییرات وسیع اجتماعی و تغییر فرم‌اسیون‌های اقتصادی و شیوه غالب تولیدی بر ساختارهای زیبایی‌شناسانه ادبی تأثیر می‌گذارند و آن‌ها را دچار تغییر می‌سازند.

در ایران پیدایش ادبیات داستانی به منزله سرآغاز شکل‌گیری رمان در جست و جوی پاسخ به این پرسش تاریخی شکل‌گرفت که "ما ایرانی‌ها که هستیم و در کجای جهان ایستاده ایم؟" جریان هشتاد ساله ادبیات داستانی نشان می‌دهد که داستان‌نویسان ایرانی، طی این دوران کوشیده‌اند ادبیات را آیین زندگی ایرانیان کنند و از داستان‌های سیاسی و اجتماعی گرفته تا داستان‌های سیاست‌گریز را در روایت شهری و روستایی و در قالب انواع مکاتب ادبی و با استفاده از شگردهای متفاوت داستان‌نویسی شکل دهند. (بهزاد برکت، ۱۳۸۴: ۱۱۷). در دهه ۷۰ و ۶۰ جریان رمان‌نویسی در ایران رشد چشمگیری داشته است. نویسندگان همسو با نیاز عمومی جامعه برای فهم عمیق‌تر خود، زندگی خود و جهانی که در آن به سر می‌برند آثارشان را به گونه‌ای نوشتند که بتوانند تاملی متفاوت به حیات فردی و اجتماعی داشته باشد. از این جاست که رمان دغدغه‌شناخت هویت را دارد. از سوی دیگر دهه ۵۰ نیز اهمیت خاصی از نگاه جامعه‌شناسی و ادبیات را داراست. در پاسخ به پرسش اصلی باید گفت که جهان داستانی در دهه ۵۰ سنتی بوده که نظام فئودالی یا ارباب‌رعیتی بر آن حاکم بوده که روابط تصویر شده در آن سلسله‌مراتبی است که نظام مردسالاری بر آن حاکم است. رمان "جای خالی سلوچ"، محمود دولت‌آبادی نمونه‌ای از این رمان‌هاست که به مسایل روستایی در یک مرحله گذار می‌پردازد، رمان "شازده احتجاب" نوشته هوشنگ گلشیری در دهه ۵۰ هم توصیف اشرافیت زمیندار است. در این رمان مردم دیگر رعیتی ساده نیستند و طبقه متوسط شروع به شکل‌گیری می‌کند. اما با تمام آنچه گفته شد مردم در این رمان حضوری جدی ندارند و بیشتر نوکرند و رعیت. جهت‌گیری اجتماعی رمان‌های دهه ۵۰ رئالیسم آرمان‌گرای اجتماعی بود که متعهد و همگن است و گفتمان غالب تفکرات چپ‌گرایانه است که به دنبال طبقاتی است و نگاهی عدالت‌خواهانه دارد در پاسخ به پرسش دوم باید گفت که گفتمان ارتباطی مستتر در رمان‌های دهه ۵۰ جمع‌گرایانه و برون‌گرا بوده که با تفکرات توده‌وار و همگرا است. حرکت ادبی از دهه ۵۰ به ۷۰ از

سنت به مدرنیسم بوده است. تفکر سنتی در دهه ۷۰ به تفکری مدرن تغییر کرده است و در رمان های دهه ۷۰ سرمایه داری مصرف گرا در آن دیده می شود که با پویایی اجتماعی برای بحث های جنبش زنان و فمینیسم همراه است و حقوق شهروندی دهه ۷۰ با گسترش لیبرالیسم اقتصادی همراه بوده است. جامعه سنتی روستایی که در آثاری چون " جای خالی سلوچ " به دقت ترسیم شده بود جای خود را به جامعه شهری مدرن و مناسبات و روابط شهری در رمان ها می دهد هم چون رمان هایی مثل " نیمه غایب " حسین سناپور که در دهه ۷۰ چاپ شده بود. در این تحقیق ارتباطات انسانی در رمان های فارسی مورد بررسی قرار گرفت و مشاهده شد در جهان داستانی دهه ۵۰ افراد در اجتماع، همگرا ترسیم شده است مانند شخصیت خالد در رمان " همسایه ها " احمد محمود. در حالی که در رمان های دهه ۷۰ شخصیت ها به دنبال یافتن هویت شخصی شان هستند و رئالیسم آرمان گرای اجتماعی به مدرنیسم تبدیل شده که در آن افراد سرگشته اند و تنها و بیش از آنکه به صورت عینی فعالیت جمعی داشته باشند در جهان ذهنی به سر می برند. وقتی پس از سالهای ۱۳۵۰ نقد اجتماعی و سیاسی امکان نشر نمی یابد، داستان نویس وظیفه منتقد سیاسی را نیز به عهده می گیرد و قهرمان اثر خود را از میان بی چیزان جامعه بر می گزیند و با توصیف بیکاری، فقر واقعیت غیر انسانی آن زمان را نفی می کند. برخی دیگر از نویسندگان در دهه ۵۰ خویشتن نگری و درون بینی کارمندان و روشنفکران آشفته ذهن را جایگزین برون گرایی محض داستان نویسان اجتماع نگار می کنند. مانند " خواب زمستانی " نوشته گلی ترقی (عابدینی، ۱۳۶۹: ۴۶۱-۲۶۰). اگر هدف اولیه این تحقیق نشان دادن پیوند میان اثر ادبی و موقعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه بدانیم و در گام های بعدی ارتباطات انسانی را در آن جامعه را با توجه به تجربه زیستی قهرمانان آثار ادبی جامعه بسنجیم و تغییرات رفتار اجتماعی را در آیینه آثار منتشر شده ارزیابی کنیم در این بررسی موفق بوده ایم تا حرکت جامعه را به سوی زیر ساخت های لازم برای جامعه مدرن و گسترش فردیت و توجه به جهان از منظر فردی و حضور بیش از پیش زنان در عرصه اجتماعی، حرکت به سوی کثرت گرایی را بر ادبیات شاهد باشیم.

منابع

- اسکارپیست ، روبر (۱۳۷۴) جامعه شناسی ادبیات ، ترجمه مرتضی کاخی ، چاپ اول ، سمت ، تهران
- بارت ، رولان ، (۱۳۸۷) درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت ها ، ترجمه محمد راغب ، چاپ اول ، فرهنگ صبا ، تهران
- برکت ، بهزاد ، (۱۳۸۴) هویت و بازتاب آن در ادبیات معاصر ایران ، چاپ اول ، وزارت ارشاد اسلامی
- راودراد ، اعظم ، ۱۳۸۲ ، نظریه های جامعه شناسی هنر و ادبیات ، چاپ اول ، دانشگاه تهران
- صدیق سروسستانی ، رحمت الله ، ۱۳۷۵ ، کاربرد تحلیل محتوا در علوم اجتماعی ، نامه علوم اجتماعی ، شماره ۸
- عابدینی ، حسن ، ۱۳۶۹ ، صد سال داستان نویسی ایران ، جلد ۱ و ۲ ، چاپ دوم ، تندر ، تهران
- فاضلی ، نعمت الله ، ۱۳۷۴ ، درآمدی بر جامعه شناسی هنر و ادبیات ، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی
- فرهنگی ، علی اکبر ، ۱۳۷۳ ، ارتباطات انسانی (جلد ۱) ، چاپ اول ، تهران تایمز ، تهران
- فرهنگی ، علی اکبر ، ۱۳۸۹ ، ارتباطات انسانی (جلد ۲) ، چاپ اول ،
- هولستی ، ال - آر ، ۱۳۸۰ ، تحلیل محتوی در علوم اجتماعی و انسانی ، ترجمه نادر سالارزاده امیری ، دانشگاه علامه طباطبایی ، تهران

- MCNAMARA, JIM, R. MEDIA CONTENT ANALYSIS (2003) WWW.CARMA.COM
- NEUENDORF, K.A. (2002) THE CONTENT ANALYSIS GUIDEBOOK. THOUSAND OAKS, CA :
- http://protestsr-notes.blogspot
- http://www.ettehadjonoub.com